

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوشان

نامتلفیقی

بهیچ حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

سال اول - شماره ۱۰

۲شنبه ۱۷ دیهشت ۱۳۳۴

تک شماره ۴ ریال

جواب ستاد ارتش

شماره ۴۹۹۷ و ۹۸۴۷

مورخه ۲۴/۲/۱۰

آقای مدیر محترم روزنامه کوشان

پس از طرح مندرج در شماره ۵ آن روزنامه مجمع آوری اسلحه های دولتی از مالکین دهات کردستان اشعار میسرود چون وضعیت کردستان در حدود منطقه لشکر؛ پس از طرح مندرج شد روز به امنیت گذارده است لذا لشکر چهارم با تعظیم طرح مندرج طبق دستور صادره مجمع آوری سلاح اقدام و در تاریخ ۲۳/۱۲/۳۳ اعلانی منتشر و به ساکنین شهرهای سنندج و سنقر اطلاع میدهد که چون امنیت حکمفرماست کلبه سلاح دولتی منسوخ و راه لشکر تحویل نمایند و تاکنون هم کوچکترین اتفاقی رخ نداده و اقدامات معموله در جریان است.

رئیس ستاد ارتش - سرلشکر ارفع

کلیک بقوای دولتی برای منظور دیگر اسلحه بکار برده اند مگر ستاد ارتش به خاطر ندارد که بنگاه همین مردم و همین اسلحه بود که مرحوم سرلشکر امین و سرآیدار فرغ توانسته در اواسط مصلحت کردستان شردزدان و راهزنان نادان را از سر مردم کوتاه کنند چه حد که در آن موقع اینان صالح بودند اسلحه حمل کنند و در حال حاضر سلامت ندارند!

ستاد ارتش مینویسد: «لشکر چهار اعلانی منتشر و ساکنین شهرهای سنندج و سنقر اطلاع میدهد که چون امنیت حکمفرماست کلبه اسلحه های دولتی منسوخ و راه لشکر تحویل نمایند.»
چگونه چنین اعلان بی اساس قابل قبول است و قتی که مردم پیشتر بیگانه و غریب و بیگانه با یکدیگر در دست افساس باصالح وجود است و فرمانده لشکر بجای کوتاه کردن این دستهای پلید اسلحه ای را که حافظ مردم است جدا می کند.

چگونه ممکن است مردم بچنین اعلانی و افساس امیدوار باشند!

امنیت در روی کاغذ غیر از امنیت واقعی است

این اعلان بی پایه و بی اساسی است که شهرداری مدین میگوید میگوید گوشت را کیلویی چهل ریال از گوشت فروش بخرید اگر نهاده تقیب میکنم و رسا گوشت فروش مثلا از کیلویی ۵۰ ریال کمتر دیدهد و گوشت بخری شهرداری بدعاکار نیست.

سررتب هوشتن افشار فرمانده لشکر کردستان و قتی که امثال محدودگان ساسانی را اقویت میکند در حالیکه اشعارش میکند که بشهر سنندج بیاید و بخرش هم گوش میدهد چو اجازه دارد چنین اعلانی منتشر کند و مردم راه تحویل اسلحه مجاز دولتی مجبور نشاید و دادگاه زمان جنگ را حربه تهاوشیش برای خفه کردن مردم قرار دهد!

افسوس که در این ملکه همه چیز روی اصول ماست مالی و پرونده سازی - چرند بازخواست و رسیدگی در بین نیست. آیا اگر بانکها چنین اعلانی مردم اسلحه های مجاز را تحویل دادند و بالتبع مورد مجرم راهزن و دزد قرار گرفتند چنان مردم قدا شده مالشان از میان رود مسئول کیست خون ناسن کشته شده را باید از چه کسی خواست! هستی از دست رفتن را باید از چه مقامی مطالبه کرد!

در اینجا سزا که باز هم گزارش، جریان اداری، کتاب و تلگراف کارها را ماست مالی میکنند جان و مال مردم بسوزد پایمال میگردد.

آیا ملت - من ندارد از دولت و اولیای امور بیره چرا این قضایا را پیش بینی میکنند با اگر بر سره و تذکر داد جواب این است «با طرح میدی طبق دستور حل شده.»

اگر منظور این است که مردم این منطقه از میان بروند بکمر تپه را جمع کنند و دستور دهد بگریز بقیه در صلح!

هم اگر مفید واقع نشود صریح تر و بالاخر بدون پرده و ملاحظه فضايسا را بیسان کنیم.

ستاد ارتش در نامه فوق مینویسد: «لشکر چهارم با تنظیم طرح میدی طبق دستور صادره مجمع آوری سلاح اقدام نموده» کدام طرح مفید؟

آیا طرح مفید این است که اسلحه مجاز دولتی را از مالکین شهری که آنرا برای حفظ جان و مال رعیت خود در دست دارند گرفته و هدای راهزن و غارتگر را بپای آنها بپاندازند! آیا طرح مفید این است که وحشت و اضطراب در مردم ایجاد کند! آیا طرح مفید این است که دست راهزنان را آزاد بگذارد تا هر چه میخواهند بکنند!

آیا طرح مفید این است که با جمع آوری اسلحه مجاز دولتی که طبق تمهیدنامه مردم داده اند بازار خرید و فروش اسلحه را رواج بدهند...

کدامیک از این مالکین که اسلحه مجاز دولتی در دسترس دارند تا بحال کوچکترین عمل برخلاف نظم و امنیت مدوی انجام داده اند! کدامیک از آنها غیر برای استقرار امنیت و در مواقع لزوم

حقیقتی من از خواندن نامه ستاد ارتش بی اندازه متأسف شدم زیرا دیدم سعی شده است فقط برای حفظ ظاهر جوانی داده شود آنهم پس از ۲۳ روز مطالعه هر صورتیکه بطاب دیگری که در شماره هلی بد تذکر داده بودیم هیچ جوابی داده نشده است.

ما اگر در شماره های متعدد نامه کوشان تذکراتی داده ایم هیچگاه مطالب را بصورت سوال مطرح نکرده ایم و ستاد ارتش را بنودتن پاسخ دعوت نموده ایم زیرا یک میدانیم که اعتراضات ما بقدری روشن و صریح و بیجاست که جوابهای قانع کننده ای ندارند، بهتر آن دیدیم بصورت تذکرات آوری کنیم

لذا ستاد ارتش در بر طرف نمودن مصایب بکوشد و پیوسته خواسته ایم از جنبه مکاتبه قدمی فراتر گذاریم و از نوشته نتیجه های گزارش ما تسلیم از اینکه ستاد ارتش، برخلاف انتظار، بجای رفع مصایب سعی نموده با دستکوبه شایسته را بخواهد بصورت دیگری بنمرد. لا این جهت خود را ناگزیر مبدایم لذا قلمی روشنتر بنویسیم تا با

اخبار کشور

شرقیایی و عرض نمایل مجلس
روز چهارشنبه ۱۲ یس الاحتمجلسه مجلس و تمهین تمایل نسبت بهت وزیر آینه آقای رئیس مجلس شورای ملی به حضور اعلیحضرت سناورتن شرفیاب و نمایل مجلس و اسبیت بهت وزیر آقای حاکمی مرضی ملوکا رسانیده و اعلیحضرت سناورتن مجلس از دولت بیاناتی فروده و اهیت موانع کنونی را خاطر شان ساخته

شرقیایی آقای حاکمی و صدور دستخط
لازمه از طرف اعلیحضرت سناورتن اعتمانی آقای حاکمی بکاخ مرمر حاضر و حضور ملوکا شرقیایی حاصل نموده و اعلیحضرت سناورتن بر حسب تمایل مجلس تشکیل کابینه را باشان تلفظ فروده و فرمان دستخط نخست وزیر ایشان از طرف اعلیحضرت سناورتن توشیح و ابلاغ گردید

جشن میلاد پادشاه عراق
روز چهارشنبه ۱۲ مصاف بهدین سال ولادت اعلیحضرت ملک فیصل دوم پادشاه عراق بود بدین جهت در سراسر کشور دوست و هموار سناورتنهای باهکوهی برپا بود و در تهران نیز در سفارت پادشاه عراق از عده از رجال و نمایل گمان مجلس و مدیران جراید و نمایندگان سیاسی خارجی دعوت شده بود که از ساعت ۵ تا ۷ در مجلس شایقت حضور سمرسانند و در آن مدت آقای جنس مهدی بیگ وزیر مختار معزم عراق رسا بر اهداء سفارت پادشاهت گرمی از حاضرین پذیر می کردند

تیراندازی و حمله با آقای کسری
چند روز پیش آقای کسری مدیر وولنامه پرچم بهیت دولت از تهران اداری روزنامه در حین عبور از خیابان سی متری به ای موسوم جنوب مغربی که خود را محصل علوم دینی معرفی نموده و شرعیهی تم صاف و مواطه اختلاف نظری که بر مسائل مذهبی بین آنها بود گسکو و مشاجره در میگیرد و در نتیجه آقای کسری سخت زخمی و مجروح می شود و یک گلوله باشان اسابت میکند و در نتیجه عموماً از طرف شهرتانی دستگیر آقای کسری بسیار سناورتن اهرام و در تحت معالجه قرار گرفته اند و در بازجویی هم نتیجه معلوم شده زیرا اهریک سناورتن اسلحه را بدسته دیگر تهیت میزنند و قضیه تحت تعقیب است

ملاقات رئیس ستاد ارتش
بر اثر اقدامات ستاد ارتش آسمانی شواحه مهدی قلی با حول رئیس این موز کزلی تمهینی با نمایل شخصی جهت از خدمت گمانی تهران آهت و خود را آقای سرلشکر ارتش و رئیس ستاد ارتش معرفی نموده نامبرده کسرت که در ۱۳۳۳ مدت سه ماه و نیم از طرف لشکر اسفهان در ناحیه فریدن و بر طرف پهلوه او اردو کشی شده و او را باغفر قندهار فروده بودند

هروی از راه تهران به لاریس
ادوارد هروی رئیس مجلس فرانسه که وسیله آلمان ها باز داشت و اخیراً توسط نیروهای شوروی آزاد گردیده و پسکو رفته بودند در این یکی دو روز تهران وارد خواهند شد که از راه قاهره بیاریس عزیت نمایند

درباشگاه افران

شب جمعه شب نشینی باهکوهی با حضور اعلیحضرت سناورتن و هلبا حضرت ملکه بهنعت جمعیت مبارزه با بیاباری صل و حمایت سناورتن در باشگاه افران برپا و عده زیادی از رجال و اخصاس بیگهواه در آن شب نشینی شرکت کرده بودند

انتصابات
آقای هیدالهمی بجهت توایی رئیس اوقاف تهران به معاونت اداره آموزش روستایی

آقای مصطفی زاد بریاست اداره اوقاف تهران منصوب شده اند

بازرسی وزارت دارائی
آقای نور ابن استوان رئیس نگاه بهره برداری بست بازرسی وزارت دارائی منصوب شده اند

رئیس اداره رادیو
آقای جنس بنی صدر بریاست اداره رادیو منصوب شده اند

انتقال استان ارتش
آقای سرهنگ هاهرشاهی فرمانده تیب گرمانشاه به ستاد ارتش منتقل به تهران وارد و مقبول کار شده اند

مبارزه با بالاربا
چون اسال هم مانده سل گذشته از طرف بهرداری تمهینی مبارزه با بالاربا در منطقه ارستان گرفته شده و اسال گذشته مساعدت و هم راهی ماورون نظامی لشگری ارستان در مبارزه با بالاربا بسیار موثر بوده لذا از طرف ستاد ارتش بشکری ارستان دستور داده شده که اسال پس مشایق مجاهدت و تشریک مساعی را نسبت با این موضوع معمول داشته تعداد یکصد نفر سرباز و درجه دار آژموده و عده ای افراد و افسران سناورتن در اختیار ماورون

از اعلا کک در نظم و ترتیب انتشار نامه کوهستان از منتر کین محترم تقاضا میشود که هر وقت روزنامه شان نرسیده لطفاً ما را مستحض فرمایند - زیرا مرتباً از هر شماره بنام کلیه منتر کین روزنامه و بهت بست فرستاده میشود منتر کین منتر میتوا ند هر روز صبح بسوسله تلفن ۵۳۹ بر شها اطلاع دنده و بیا آدرس تهران نامه کوهستان سناورتن فرستند

وزارت بهرداری لدرنه و یک کابین هم برای این منظور اختصاص داده شود زود خورد در کردستان برار اطلاع له بناد ارتش رسیده در ترکیه کرده باورخان زود خوردی واقع شده و معدد رشیک فرزندان جوان تیر خورده و معدد فرزند میتوشیر گشته شده

واجم با این سناورتن اطلاع از عمل بدین روز نامه کوهستان رسیده بدین است پس از وصل - خوانندگان را از چگونگی این واقعه مستحض خواهی داشت

ترجمه و نگارش: آقای منصور شاهنواز

منازه دزدان ۴۵

مادم کلولا نه بالحنی که حاکی ازینس و نامیدی بود فریاد کرد آه ا برای چه نابل را ترک کردیم ا چرا بدین مکان بر خورد و شر داخل شدیم ؟ هراس چون اضطراب شده با ما در ادیداز: قلب از آرزوی می که کرده بود نامد و پیشبان شده گوش میگردد نامادر بیچاره اش را قدری آرام کند و قلب براندوش و انسکین بخته گیلانی از شراب پر کرده بدست ما برداد و گفت: مادر هر چه کر ترس بخورده نه هدیه قلب قوی داره بد این گیلانی و با خاطر مسافرت خوش و غرم ما رحمت تندرستی و سلامت خود بنوشید همین امروز مادر لوی حمایت سربازان دولتی به ستایش خواهیم رسید، شما میتوانید بک استکورت برای مشابهت بخواهید، شما چون ملکه حرکت خواهید کرد و ماد بگره و افتابیل، ما توتو نام دزدان و راهزنان کلایر ثابت خواهیم کرد و آنها را از یاد خواهیم برد

الساه میروم و به در شکری میگویم اسپاره بندد هر باهائشیم از این شاه خراب بهتر است دیگر ممکن نیست بتوان این یوهای کثیف را استتمام نمود

خام کلولا نه چون پرسش از اطان خارج شد زیر لب گفت عجیب بیهی است، او همیشه اینطور است او هیچ چیز جر موس و میل خود نمیکردی کند - چرامن نیاید آقدر قدرت داشته باشم که در برابر او اظهار وجودی یکتم - اگر توستم بیالی برسم و از این شهر بر ما چرا رهاشوم دیگر هیچکس نخواهد توانست مرا از آجا حرکت بدهد - چرامن باید اینقدر صنیف و بی اختیار باشم که باین مسافرت چون آمیز تن دردمم

فصل سوم

سرزنشهای تلخ

هراس پس از اینکه از مادرش جدا شد مستقیماً بطرف درشکه چیرلت و او را در بالیکه با حرمس و ولج تمام مشغول خوردن یک بشقاب ماکارونی بود مشاهده کرده بشون اینک درشکه بی متوجه او شده باشد گفت: از کومو فوراً اسب ها را بندید همین امروز صبر باید به ستایش برسیم - درشکه بی که سرگرم خوردن غذا بود بگمترتیه چشمه را پانجب بلند کرده هراس را با ترفقه گرفته در مقابل خود دیدند

هراس برای باز دوم فرمان خود را تکرار کرد - زا کومو با صدای ملایی جواب داد گمان میگویم حضرت آقا فراموش نموده اند که در کز خلی دیر شده است و لابد دیده اند که راه ستایش چند در هزارو خطر ناک است تا چه رسد به اینکه بخواهید شب از آجا عبور کنیم - ماد شما مشب بسیار غصه هستن - علاوه اسب های من هم بیچاره قادر بر راه رفتن نیستند - اصلاً چرا زمش را همین جانی مانیده ا؟

در این لحظه صاحب مهبانه داخل اطان شده در حالی که سر میگرد تباغه خود را بسیار موصوم و حق بیانی نشان بدهد گفت: آقا مگر مهبانه ما جوانی سناورتن برای خوابیدن شما نیست ما که تهنوواب و میز و همه نوع لوازم دیگر را در اختیار شما گذاشتیم

اما مداخله این مرده که هراس با او بسیار مقنون بود تنها او را از تصمیم خود برنگردانید بلکه وی را در این قصد راسخ تر و پایدار تر نمود

بلم آتای هوشک سهرایی

مدارزه با بیدادگران

دانشندان و علمای زیست شناسی متفقا عقیده دارند که عوامل طبیعت چون باد و باران و اور آفتاب و حرارت و پروت - کوه و دشت و غیره که همگی محیط منطقه زندگی را تشکیل میدهند در تربیت و تعلیم افراد و اجتماع تاثیر شگرفی را داشته و مردمان هر کشوری تحت تاثیر کلی این فاعده قرار گرفته اند. مثلا کوهستانهای سبز و خرم سوس مردمان با ذوق و با ماطفه و راستگو بار آورده دشتهای پر از گل و سترن و ترگس فرانسه احساسات و زیبایی و افکار و اندیشه های بلند و منزهای بزرگ خلق کرده و صحرائی سوزان و لم بزوع افریقا یکسخت انسان لغت و عور و سیاه و قس الفلب آفریده و کرانه های دریا یکسده صیاد و ماهیگیر پرورش داده - باستاند این اصل مسلم ناگزیریم بگویم ایران مهد داریوش و مین هریز ما که از تمام قش و نگارهای طبیعت بهره مند است چگرنه از این قانون لاینخیر آفرینش سر بر نرفته و اکثریت ساکنینش به خواهی ناپسند و تبلی و کلمات کرده اند در اینصورت باید گفت نظریه دانش بزرگان در کلیه موارد صدق میکند - نخستین آتک و فریاد آزادی که پس از واقعه شرم آور شهریور ۱۳۲۰ بگوش ملتیکه سالها در زیر کابوس وحشت و هراس بسر میبرد رسید بلافاصله عاققان و تشنگان آزادی زنجیر استبداد را پاره کرده در یک فضای باز و مکن بی قیدی نفسهای صحتی کشیده به تشکیل احزاب و نگاشتن روزنامه و تاسیس انجمنها و کلوبها و دسته ها مشغول گردیده و هر یک برای حزب و گروه و روزنامه خود نام و لقب و نشانی برگزیده .

بگوامی تاریخ چند هزار ساله ملت نجیب ایران از دوره های عظمت شاهنشاهان مهابتمی تا امروزه که دوران آزادی و دموکراسی نامیده میشود از خود هیچوجه اراده و اختیار نداشته بیوسه تحت فرمان فرما و رانان و سکرانان خودسر و ظالم بسر برده و اگر هم چند نفر آزاده نش بر علیه مرام دیکتاتوری آنها قیام نموده باشد فوراً نهضت و جنبش آنان بسکوت محض مهمل شده و رهبران آنها بجهان ابدی شتافته اند .

ایرانیان از آغاز زندگی تادم مرگ خود را برای اطاعت باو امر بدون چون و چرا مویا ساخته اند - هر کار و فرمان و هر سخنی را خواه مفید خواه زیان آور تحمل نموده بقدری در ابراه افراط نموده اند که از عقل و ذره بینان بجهن و ترس تبیره شده است .

فاعده عمومی و کلی است کار فرما وقتی توانست اراده خود را بر مردم تحمیل کرده و عکس العملی را بینه مسلما از این عمل خود خرم نشده - کبر و خود ستائی دانش را گرفته سرانجام گرداز و زناش بر سنگری تبدیل میشود برای جلوگیری از خطر اینداری کشته روجه بزرگ و مردانه - ظهور و از خود گذشتهگی - فرهنگ و دانائی ایران و ولایته لازمست که با دارا بودن این صفات زیر بار هر ناملایمائی نرفته و مشقت پولادین را بجز دیوانگان بیدادگر کوبیده نتاورد و اجتماع از قبیل اسارت و بردگی و خواری و ذلت خلاص و رستگار شوند - بشر ذاتا غلیف کش و بخون بیرویان تشنه است در این صورت باید کوشش کرد قوی و زورمند شد و در عین قدرت و توانائی تن در روان و اندیشه را برای مردم داری و نوع پرستی آماده و مهیا ساخت - بدخشانه دوسر زمین گل و بلبل سمی و حافظ نه تنها بوسایل مسکن و لازم از پرورش این آرزو با تمام نیرو جلا گیری میشود بلکه افراد ملت نیز از کسوف چکی تا دوران پیری - در آنش مادر - روی نیمکت دیستان و دبیرستانها در سرباز خانها و سایر ادارات دیگر عملا درس ناتوانی و سکوت و اطاعت اجباری را فرا گرفته تا باین روز تیره و شوم گرفتار میشوند - در مدت چند ساله گذشته در آن هنگامیکه قدرت و اقتدار و عظمت و شوکت و زور سر نیزه ستمگران بشتها درجه رشد خود رسیده بود .

«معدن تأثر»

در این هفته اعلامیه چاپی مفصلی تحت عنوان « بیداشت در کوردستان کردستان » از سندج بدینتر روزنامه رسیده که بلم آتای ناصر توانا نگارش یافته و درستندج منتشر شده بود .

شرح مفصل جریان بسیاری یکی از جوانان روشن فکر سندج و طرز معالجه بسیاری او را بطور تفصیل نگاشته و وضع تأثر آور بیداشت سندج را بیان نموده و بدیده .

آری نه تنها بیداشت شهر سندج و تمام کردستان وضع رفت آوری دارد بلکه با هر اداره یا هر بنام که شمس سروکار داشته باشد میدانند که همه خراب است همه اسباب نارضایتی و زحمت مردم است .

این اوضاع جای کله نیست جای شائست از کی کله میکنند ؟ از کی کله باید کرد ؟

باز باید برگردیم بانه کراتی که در چند شماره قبل دادیم تا وقتیکه خود بفکر خود نباشیم و تا وقتیکه حقیقتاً بجا بدیت مشغول کار و اصلاح نشویم و تا موقعیکه بیک یک مشکلات را در نظر نگرفته از پیش پای بر نه ابریم تنها فریاد و استغاثه شکایت و کله نتیجه ای ندارد .

چرا شهر سندج با دارا بودن اشخاص متنازه و سرمایه دار نباید دارای یک بیارستان ملی باشد چرا نباید از اقرا و بیوانان دستگیری شود چرا نباید بفکر وضع شهر و خرابیها و آفتانات آن بودمگر این مردم در این شهر زندگی نمی کنند ؟

شما وقتیکه عموم باین نواص واقعه چرا در صدد رفع آن نیستید چرا جنبش اصلاح طلبانه ای در شما دیده نمی شود ؟ چرا باید وقت خود را روزانه به گردش در آن خیابان کثیف برگردد و غبار و بالین زار گذرانید با در جالو چند مغازه بگفت و شنود در اطراف مطالب بی سرو ته بپردازید .

از این تلف کردن وقت از این بی اعتنائی بقدرت خود و مردم چه نتیجه میگیرید ؟

توجه این است که روز بروز اوضاع شما بدتر خواهد شد آنهایکه بی چیزند بر سر بر مرگ خواهند خوابید و آنهایکه هستی و متول دارند چنان زیر پای مامورین طباع روزگار خواهند گذرانید که مردن مانند سینه بایان را صد مرتبه بر زندگی سراپا زحمت خود ترجیح خواهند داد .

اتفاق بین مایه و تنگ و فریاد و تمام اینها خوب و لازم است ولی نباید به نوشتن و گشتن تنها اکتفا کرد باین مردمان غفنه را بیدار کنید حسن انسان دوستی و آدمیت را در آنها تحریک کنید تا بخود آیند جهت های خیره دست کنند شرکت ها ایجاد نمایند هم خود استفاده کنند و هم بدهای مردم بیچاره را از ناراحتی این زندگی که و انما برای ساکنین سندج تشک است برهاند .

بانهلیقات شیطانی یکسده اراذل تمام طبقات کشور از هم ترسان و لرزان و هیچکس امید بادامه زنده کی چند روزه خود نداشته ملت بیچاره وسیه بخت تمبدا تسلیم قضا و قدر گردیده بودند تصور میرات این بیدادگری و نابکاری فقط بتوده احتشک و رنجبری است که بنام ملت نامیده میشود چه اشتباه بزرگی غافل از این که در ادارات کشوری و لشکری همین رویه ناپسند و زشت صد درصد شده بدتر اجرا شده زیر دستان و مرئوسین در مقابل روسا و فرماندهان (خدایان) قادر بنکلم بوده و انواع و اقسام قجاج و مشقت را بر خود هموار میکنند زیرا میدانند که چرخهای دادگستری و دیوان عدالت کشور شاهنشاهی فقط برای خورد نمودن بیکر ناتوان ضلعا وزیر دستان بوجود آمده است هم بیچارگان ارجسته بداتت عموم ایرانیان بسهم و لویه خود از دست این گرگان گوسفند نما و جلادان خونخوار که هنوز هم روی این سفره رنگین و الوان نشسته و همه را از اعمال خودشان بیزار و هراسان ساخته اند تفاوت و عداوت دیده و چشمه و بریش همگی خنده اند حال که بیاری خدا نور آمیذ در افاق تارک و مخوف ایران درخشیدن گرفته و مردان برجسته و روشن فکر برای رهائی ایران عزیز از چنگ بگردان بیدادگری علم کرده اند بر بزرگان و دانشمندان کشور لازم است که حتی القدور بکوشند راه و رسم دادگری و مساوات و برابری و حریت را بمانه ایرانیان و خصوصا کارمندان دولت تاقین نموده و اینهمه فساد و زشتی و معایب را که نتیجه فکر غلط یکسخت شهاد و وزد و تبیکار است ریشه کن سازند .

بقلم آقای دکتر یونس یزدهانی

خصایص دیگر کودک شیرخوار

علاوه بر آشنائی بطرز نوردها که در گذار پیشین رجوع بآن محبت نمودیم - مادون و پرستاران استونگان دیگری را از خصایص مهم کودک شیرخوار فرا گرفته و آنها را همواره در نظر داشته باشند تا آنکه بدانند فرزندشان مطابق معمول رشد و نمو مینماید یا خیر - اینست امروز در خصوص قامت - وزن - قوتنازل اندر او مرفوع - و خواب کودک مختصری بحث مینمائیم -

۱- قامت - هنگامیکه نوزاد بدنيا میآید طول قامت او با اندازه پنجاه سانتیمتر است - در یکسالگی قامتش به ۷۰ سانتیمتر و در آخر دو سال به ۸۰ سانتیمتر خواهد رسید -

۲- وزن - اهمیت وزن کردن کودکان شیرخوار هنوز در ایران مورد توجه نیست در صورتیکه برای حسن تغذیه طفل - برای حفظ و مواظبت مزاج او و برای جلوگیری از عوارض گوناگون لازم و واجب است که لااقل ماهریکبار وزن بچه را معلوم نموده و یادداشت نمایند تا از طرز نشو و نماي کودک باخبر شوند -

فلا در این مختصر شرح و بسط او را از منحنه کودک دور هفتگی و دوهر ماهه مقصود نیست، همینقدر باید دانست که وزن طفل سالم هنگام تولد بطور متوسط ۳ کیلوگرم گرم میباشد - دره ماهگی این وزن به ۶ کیلوگرم میرسد - در یکسالگی ۹ کیلوگرم و در دو سالگی ۱۲ کیلوگرم خواهد بود - از مقایسه این اعداد معلوم میشود که در ماههای اول زندگی افزایش وزن خیلی سریعتر و شدیدتر از ماههای بعد می باشد چنانکه در آخر سال اول ۶ کیلوگرم بر وزن طفل اضافه میشود در صورتیکه در سال دوم فقط ۳ کیلوگرم افزایش می یابد -

۳- قوتنازل - وقتیکه بالای پیشانی يك طفل نوزاد را بسا دست لمس کنید می بینند که يك فرورفتگی مخصوص در آن قرار دارد که هنوز استخوانهای سر آنرا ایوشانیده اند - این فرورفتگی اوزی شکل را که از شاه - مغزی - منور شده است قوتنازل میگویند که بتدریج و سمت آن کوچک و کوچکتر شده و در سن دو سالگی معمولاً بکلی بسته میشود -

اهمیت قوتنازل از این لحاظ است که از روی درجه فرورفتگی آن میتوان تا اندازه بیکورتگی مزاج کودک پی برد چنانکه

اگر طفل لاغر شود یا شیر کافی نداشته باشد و یاد چسباز اسهال و استفراغ شود قوتنازل کودک شده و عمیت بسطح سایر قسمتهای سر عمیق تر بنظر میآید و همینکه حال طفل بهبودی یابد قوتنازل نیز برجسته شده و بحال اولی عودت مینماید - از این لحاظ است که قوتنازل را در آزوی فراخ نیز لقب داده اند بالاخره خاصیت دیگر قوتنازل اینست که در عارضه راشی تبسم خیلی تیرتر از دو سالگی بسته میشود -

۴- براز (مدفوع کودک) - تا سه روز بعد از تولد مدفوع نوزاد از ماده سبزه رنگ چسبناکی تشکیل شده است که آرا مگونیوم میگویند که رنگ آن بتدریج زود میشود - نوزادانی که شیر مادر بخورند دارای برازی زردطلایی رنگ بوده و آنها را بیکه یا شیرگار مینامیند برازشان تیره رنگ و لزج است -

معمولاً در ماه اول شکم کودک دوالي شش برته اجابت مینماید - از دوالی ۶ ماهگی ۲ تا ۴ دفعه در روز ۱ تا ۲ ماهگی يك الی دو مرتبه -

مادران بایستی مراقب و مواظب باشند که چنانچه براز کودک زیاد شده و ضرورت مایع رقیق در آید یا آنکه رنگ آن خاکستری یا سبز مانند اسفنج کوبیده بشود و یا اگر با بلم و خون یا لانه های سفید رنگ مثل دانه های برنج در آن مشاهده نمایند بلافاصله به پزشک رجوع کرده و مشاهدات خود را بتفصیل برای وی شرح دهند -

۵- ادوار (یبشاب) کودک شیرخوار قنداقه خود را زود زود مرطوب مینماید هر چند یبشاب کودک کم رنگ و کم بو است ولی اگر مدتی بماند بوی امونیاک میدهد و بوست بدن کودک را تحریک مینماید بنا بر این در عوض کردن و رختها و گهنگه های طفل ناخبر نباید نمود -

۶- خواب - چنانکه سابقاً گفتیم سرو کار کودک نوزاد فقط با خواب و خوردن است - بطوریکه از ۲۴ ساعت ۲۱ ساعت آن منحصرأ صرف خواب میشود در سه ماهگی ۱۹ ساعت و در شش ماهگی ۱۶ ساعت بطور متوسط بخواهد - طبیعی است که بعد از خواب روزانه کودک به تدریج کاسته شده و در او ان یکسالگی بیش از دو سه ساعت هنگام روز بخواب خواهد رفت -

((نغمه استقلال))

دو هفته گذشته در دوسه روزنامه مرکز شرحی از روزنامه کیوان چاپ رضایه اقیانوس و دوح شده بود و با زهم مسئله استقلال کرد را پیش کشیده بودند -

بعضی مسائل جهانی و مهم هست که لازم است موقتیکه مورد بحث قرار میگیرد مانند يك مسئله عادی و يك مطلب پیش پا افتاده تلقی نشود بلکه در این قسم موارد لازم است علاقه مندان توجه بیشتر داشته و معطوبانی هم که میخواهند در اطراف آن به بحث پردازند باید قوتکمال آنچه میخواهند بنویسند توجه کنند -

بدینسانه چون این دعابت نمیشود در اغلب موارد نوشته می اثر مینماید و با بامکس مشکلاتی فراهم میکند -

شما از منشا استقلال که در سعادت میکند کلامه گوید و با استقلال اشتباه میکنید بدون اینکه اگر میدانید الا پرسید گوید یعنی چه و با آنچه را مینویسید حقیقت دارد و یا صرف مینویسند فاست آنکه عدهای را مورد ملامت قرار داده ام عرض هائی می کنید و یا عباراتی در لایق هائی پدید میآورید -

واقعا اگر میخواهید آنچه می نویسید اثر داشته باشد اول در صد کثیف مطابق باشید آنکه اگر حقیقی را در بانیید می کنید بدانید این حقیقت از کجا و از چه ناشی شده سپس اگر آرا و اقنا بحال مملکت مضر میدانید راه علاج را بیان کنید اگر اینطور عمل کردید بدینرواست نتیجه واقعی مترتب خواهد بود والا اگر غیر از این بشود کلماتی است که بردوی او را می چوب میشود و اگر کسی هم خواند بلا فاصله فراموش میکند زحمتی بیوده کشیده اید و نتیجه ای هم نگرفته اید -

دزد خوش سلیقه

در خیابان بهلوی چند قدمی کلاشری دوشب قبل صندوق مراعات نامه کوهستان را دزدیده اند این دزوی از چند نقطه نظر عجیبان دقت است -

۱- در چند قدمی کلاشری در یکی از خیابانهای مهم شهر تهران دزدی بهیول انجام پذیر است -

۲- با وجود اینکه خود صندوق ارزش این را نداشت که دزد بهود زحمت داده مذهبای محکم آنرا بکنه و صندوق را بر بایند چه چیز او را باین کار واداشته ؟

۳- در صورتیکه بهلوی این صندوق ، صندوق دیگری که به مراتب بهتر بود نصب شده و ربودش آسان تر بود دزد حال اندیش چرا صندوق نامه کوهستان را برای دزدیده ان انتخاب کرده بود ؟

۴- حدسی زده میشود که منظور دزد محتوبات صندوق و نامه های درون آن بوده ولی از آنجائیکه ما نمیدانیم چه نامه های در آن موقع در صندوق بوده نمیتوانیم بگوئیم چه شخصی مورد سوءظن است -

بهر حال ما لازم میدانیم توجه شوربانی را باین موضوع جلب نموده و ندگر دهیم که دزدین صندوق مراعات نامه ما را ساده نیندارند - مهم برای اینکه مزاحمتی برای صندوق دزد مجدد فراهم نشود از نصب صندوق دیگری خودداری میکنیم -

آگهی

په روشن فکران کشور ایران مؤده باد

از تالیفات آقای آیت اله کردستانی سه قمره از چاپ درآمد در کتابخانه تهران اول لاله زار و کتابخانه دانش در خیابان ناصر خسرو تحت انتیبار خریداران گذاشته شده طالبین به آنجا مراجعه فرمایند - تالیفات دیگر ایشان هم قریبأ از مطبع خارج ریدیه دانشگاه تهران و طرفداران عظمت دیانت و سیاست ایران از مطالعه آنها روشن خواهد شد -

مجموعه آثار معتمد مدروخ (آبهای کوهستان)

۱۱-

گرد و گردستان

بعضی از علمای علم النساب بر اطلاعاتی که از اولاد کرد پرس هر دو مزقباه نوشته اند که پادشاه یمن بوده است پرس هاشم ماهر السماه که بسام پرس نوح منتوی میشود .

بنا بر این اژراد اعراب سامیت نوشته اند و شمر ذیل شمر باین روایت است :

لسرك ما الا كراد ابناء فارس ولكنهم كرد من عسر بن عامر
در تاریخ ۳۰۰ لیل این اثر هم صفحه ۳۴ مذکور است که عبدالله بن عمر گفته که مردی از اعراب فارس اشاره بسوزانیدن ابراهیم خلیل کرده . باو گفته مگر یارس عرب داده گفت بلی اگر اعراب فارس هستند و این روایت باز روایت سابق مخالف است زیرا هر مزقبای خیلی موثرتر از حضرت خلیل است . این عبدالله هم در کتاب تصدیر الامم فی النساب العرب والاعمم و فیروز آذنی در کتاب قاموس و طبقات العربین سید محمود آلوسی بغدادی در تفسیر «روح المعانی» در ذیل آیه «و من احب الی قوم اولی بأس شدید» و قاضی ابن خلکان در ترجمه «مصابین ای سفر» و مویسی بغدادی در کتاب «سیاسة العرب فی معرفة قبائل العرب» و مسند بی در «مروج الذهب» در تفسیر «سبل الحرم» چهار معجزه اشتهار شده اند که کرد را از نسل هر مزقبای نوشته اند . و طرفداران این روایت احوال اوس و خروج را نیز از اکراد میدانند چه آنها هم اولاد هر مزقبای هستند .

چون دیگر هم اگر چه کرد را پرس هر مزقبای نوشته اند اما هر مزقبای را از نسل اسمعیل پرس ابراهیم خلیل مرقوم داشته اند . بعضی دیگر هم نوشته اند که کرد پرس ایران پرس آشور پرس سام پرس نوح است «سبک الامم» صفحه ۱۱ در صورتیکه تورات نام رشتتهای اولاد سام را ضبط کرده و مطلقاً ذکری از کرد و ایران در اسامی اولاد آشور نیست بلکه اصلاً کلمه کرد و ایران در تورات وجود ندارد . در همه جا جای کرد «مادام» و پرسی ایران «پارس» مذکور است . زیرا در آن ایام ایران که عبارت از کرد و پارس با هم بود تشکیل شده بود .

پس از کورش کبیر کلمه ایران متدرجاً مورد استعمال یافت چنانکه بعداً ذکر خواهیم کرد .

روایات مزکوره علاوه بر این که با هم متخالف اند با مدارک و آثار تاریخی هم وفق ندارند . بلاوه شکل و قیافه و اخلاق و آداب و آیین و زبان و سایر علامات طبیعی هم که معرف هر نسل و نژادی هستند گواهی میدهند که گروه کرد هیچوجه مناسبتی با نسل عرب ندارند . بلکه آری خاصاً اند و در بین طوایف آری هم از هر چه پارس نزدیکتر اند . مانند اینکه هر دو شاخه بگدرخت و شمشه یک نژاد هستند از جمله کرد و فارس هر دو نان گوشت سره پا سیره شمشیر خنجر و تبه آسان بالوان سرما و کرما و امثال آنها را بدون اختلاف تلفظ میکنند که عرب شیز و لعم و راس و رطل و غیره . . . تا آخر یا کلمات خیلی دور از لجه کرد و پارس تلفظ مینمایند .

هر کس بکتاب فرهنگ مدروخ که مشتمل بر هر سه زبان است مراجعه کند کلاً نقش اتصال و اتحاد کرد را با پارس و دوری و مفارقت او را از عرب و سایر ملل تصدیق خواهد کرد . بهین نیاس اسامی اهداد و اجناس و انواع و ایام حیوانات و غیرها نیز که کرد و پارس هر دو یک لفظ تلفظ میکنند یا تفاوت مختصری دارند که تلفظ عرب با آنها کلاً متباین و متخالف است و هیچ شباهتی ندارد .

بهین فرار جمله بندی کرد و فارس در تکلم که فعل در سبقت کرد و پارس موثر از فاعل و مفعول است «گودرز چشمیدی کشت» «گودرز چشمید را زد» اما در همی قدم بر آن است «ضرب گودرز چشمید»

از تفاسیل مذکوره بیاناتی که در شماره های گذشته نامه کوهستان ذکر کردیم سه اصل مسلم متفق میکنند که هیچوجه قابل تردید نیست :

- ۱- اینکه کرد آری خالص اسقف با پارس هم لجه و هم زبان و هم زاد و هم مدرو هم آیین اند . و هیچوجه تناسبی با عرب یا سایر همد آری و ملل سامی نزدیک ندارد
- ۲- این که کردها از چند هزار سال پیش از میلاد مسیح در همین اماکن و ساکن کنونی خود ساکن بوده اند و در طول این مدت مناسبتی هم حیات و حیثیات

مصطفی بگی کوردی

کوردی - ناری مصطفی کوردی معبودیک ناری بایبری احمد به قول خوی (احمد چو ویدر معبود و نام مصطفی است) که قاری سلیمان که دایم بود . تاریخ ۱۲۶۷ هجری هاتوز . دناله سال ۱۲۶۷ له سلیمانیدا هری خوه بهمن هیناوه .

کوردی - له ایرا زور بود و له سه دا زور شمیری جوانی و توه معصوماله نارانا گل قانیا ، زوله یان بیگهوه بود

کوردی - چاکله اهداری کوردی . فارسی نوز کن اهدا پیش و توه له گه شاه یی به ناربانک (مالی) دام او زه مان وه غرابانی کوردی زور هوش و کس خوشه . بو زین نامه خوشه و سنی کوهستان عربی خوار بود که له آثاری او به هدیه ابیرین

چما وده لم چزه بقربانی سرت بسم
بونیبری قضای چاری حسودان سوپرت بسم

شادن له تماشا و نظرت محرم و اقیاد
مروت بیه تنها هر امن در بدوت بسم

راضیم بدتم هر و کو خاکمی بری بیستی
شاهد که له ری مدرسه دا رهگذرت بسم

تویه ددو روشی خوته وه شاعر کو قرغه
دایم که له پیش اسیه که تارک نقرت بسم

وک تالی ضیفلم له هتنتی غمی دوریت
شایسته ام ایستاکه که حلقهی کورت بسم

بو قتل منی خسته مژت هر وه کو تیره
ای من بلدهای تیرو لنگای بر خطرت بسم

ارلطه اوگر خشایلا کوردی (طبری)
قرانی غضب گرتنی گوشه نظرت بسم

آینست را آثای مدروخی نگاشته و ارسال داشته اند

وزبان و اخلاق و سایر شعائر ملی خود را از تطاول ملل معاصر و دول مجاور خود کلاه و آشور و هیلام حفظ کرده اند بلکه غالب اوقات هم با کمال رشادت حالات معاصرین را رد کرده اند و آنها را عقب نشانده اند . چنانکه قبلاً هم گفتیم در حدود قرن ۲۷ پیش از میلاد مسیح اگراد «گوتی» با ساراسین پرس سارگون اول پادشاه کلدانه جنگیدند و او را شکست دادند و متجاوز از دو قرن کردها بر کلدانه سلطنت کردند . . .

سپس در اواسط قرن «میدم» پیش از میلاد هم (۱۸۰۰) کردها ساکنینشان حاکم و پادشاه بابل جنگیدند و باز بار دیگر بردوت کلدانه مسلط شدند و کردها پاسکده اصل آنها امتراج یافتند که در نتیجه این امتراج دولت کلدانه از اهمیت افتاد و ملل قریبه مشرق ترجمه مرحوم فروغی صفحه ۲۱۵

همچنان در قرن نهم و هشتم پیش از میلاد نیز پادشاهان آشور مکرر حمله بکشور اگراد آوردند و شکست خوردند و در سال ۷۴۴ پیش از میلاد نیز جنگ سختی در بین آشوری ها و کردها در کیم شد و طرفین با دادن تلفات زیاد عقب نشستند و هیچکدام نتیجه نگرفتند تا بالاخره در اواخر قرن هفتم پیش از میلاد ۶۰۶ کرد - های ارومیه «رضایه کنونی» که آن ها را ماد کوچک میگفتند با کردهای ماد بزرگ بنی لرستان و عراق هم همدست شده با نلسان حکمران بابل در یک حمله نیرومندانه نینوا را که پایتخت آشور بود تسخیر کردند و اساس سلطنت آشور را بکلی زیر و زبر ساختند و آن دولت قوی پنجه را برای ابد سرنگون نمودند «تضمیل آن در شماره های آن به ذکر خواهد شد»

اخبار خارجه

متار که جنگ در اروپا

روز جمعه ۱۴ اردیبهشت ساعت هفت و چهل دقیقه به از ظهر در ویلنا لارو آن نری به ترک که بجانشینی در پامالاد دویتر پارما ۴۴ کیل پروی آلمان منسوب شده بابتق رئیس کل منادوا گنر و مارتنل وچ در برابر آلمانی مارتنل و توری - فووز در مایده قرارداد متار که جنگ را اضاء نمودند.

پس از این قرارداد سر از ۵۰ ساله مدت ماه و ۵ روز بیکار مع شنبه ۱۵ اردیبهشت آلبه نواي جنگی آلمان متوقف در شمال غرب آلمان - دانمارک و هاله و جزایر - وائل دو کشور اخیر بدون لیدو شرط اسامه را بر زمین گذارند. همه اینها به موجب این قرارداد اسامه بر زمین گذارده اند در حدود یک میلیون نفر میباشند. از روز شنبه هفت گذشته باز طرف در حدود ۱۰ میلیون بریز و اندر در شمال ایتالیا و جنوب اتریش تسلیم نواي مارشال آلمان در حدود پانصد هزار نفر روز شنبه تسلیم نواي انگلیس شده اند.

انجمن سانسفرانسيسكو

رئیس هیئت نمایندگان ایران در جلسه سوم مجمع عمومی سانسفرانسيسكو نطقی بزیان فرانسه ایراد کرده و با تالیف بفرمان خدمات ایران در جنگ و انتظارات کشور ایران اشاره نموده بامضای موانع در ضمن نطق از حسن نظر های سران سه کشور سخن رانند نطق رئیس هیئت نمایندگان ایران تاثیر بسیار خوبی بخشیده وزیر امور خارجه امریکا شرحی بنمایندگان ایران نوشته راجع بایراد نطق شادباش گفته است.

تقاضای رسیدگی

از تروه نامه منصفی با مضای فریدونی رسیده از شیوخ بسیاری و تلفات و از وضع رقت بار و نایا شکایت نموده در نامه مزبور نویسنده آنگاه امراندار را مخاطب قرار داده تناخسانوده است انلا باین نامه سرکشی نموده حال زار مردم را بیفتند و اقدامی را که میترانند میبذل دارند.

ما متعذری داریم که وضع و حالیا چه از حیث زندگی و چه از حیث بهداشت بسیار خراب و حقیقتاً قابل ترحم است و اطمینان داریم اگر ما مورین دولتی مقدساً فرماندهانیدتی بخرج بدهم ممکن است تا حدی وضع آنان بهتر شود. انتظار داریم آنگاه فرماندار پس از بازدید از وضع از نزدیک بکسک مالکین و باجانب توجه دولت اقدامی کنند که انلا این مردم زحمتکش هم از کمترین وسیله ادامه حیات بهره مند گردند.

شکایت عامالین قماش

اداره دارائی سبز چندی قبل چند نفر از عامالین سابق قماش را برای مغازه جزئی فروشی استخدام نموده و در اسلخ معالی قید کرده که حقوق آنها از محل مدی شش سود عملی برداشت خواهد شد با وجود اینکه سود نامبرده موجود و معزز است پس از چهار ماه که محل فروش شانه بیانه این اشخاص از خدمت منافع شد و محتوشان را هم تا بحال نپرداخته اند بدیهی است آنگاه رئیس دارائی باید متوجه باشند که حقوق حقه اشخاص نباید از میان برود

از سنج

بقلم آقای عبدالکریم صادق وزیری

سلام و درود فراوان بر نامه و نگارنده کوهستان



میرزاد دستی که مرشکسان را دوی دل و مرهم جان فرسند ه تنها میرزاد بلکه وانا و نیرومند با ددستی که قلم و پاینده و استوار بیاند یانیکه قدم را محکم برای دود و مرهم جراحات ملت نجیب ایران و ترقی و تعالی این کشور معظم باستان بردارد. نامه کوهستان! اگر مقام بزرگ و صنعتا کوچک تو اجازه میداد بشیوه شیوای بلایی که بر روی نازنین گل چه چه زنده مطابق شوق سرشاریکه در دل بر محبت دارم باجل آسا بر روی نواي تو گل زینا مدام تهنه سرایی مینوادم. ای نامه درخشان وقتی که نور بر نور و غنچه غنچه گوی تو دیده را خیمه میکند حاضر بر وانه وارجان بیستاد و ا ثارت نمایمان و نوروز نامه ۵- روز نامه پروانه خود را نیکشی بلکه از نور دانش هم روان تازه میشی.

ای نامه محبوب که با خامه مرغوب از راه ایران دوستی درس درستی را میدهی و چشم امید همه را بخود دوخته هنگامیکه روز نامه فروش نام نامی ترا بر زبان میاورند نای او را چون نواي داوری بگوش و مانند عاشق مدهوش دوستی ترا در آغوش میگرم این احساسات بی آلاش و علاقه معطر با هتکسک حکوتی و روش پاک تست که بهیچوجه آلوده گردوشبار نیستی امیدوارم در آتیه نیز ازین محبوب تر باشی که هستی ولی در انتخاب کوهستان چنان میندازم که نظرتان بر کردستان بوده و چون کردستان بطرف جغرافیائی زمان ساسانیان تهنه و بطور کلی متاسفانه داخل ایران کنونی نیست ناچار دست بدامن هم قافیه و متکی بوضع طبیعی آن شده با تصور فرموده باشنده روز نامه بنام کردستان شاید در انتظار باره اشخاص جلوه گروانغ نکردد. در هر صورت میتوان عرض نمود که یحق نبوده اند لیکن باید محتایق را روشن و انتباهات را که بیان ابرهای تیره و تار آسان حیاتی ایران را تاریک و روزگار برانگذار ابرایان را سیاه نموده روی اصول صحیح با لجه فسیح بر طرف ساخت اگر باره افراد با مقامات چنان فرض کنند که اگر اد ایرانی خارج از استقلال ایران سودائی در سردارند و افتاد چنانچه بزرگی هستند زیرا این گروه که با نیروی آهنین راستی و شاعرانه و مطبیرستی بنام کرد در سرزمین نیاکان خود از نژاد و خون پاک ایرانی پائی مانده ایم جز عظمت ایران و املااتی که مستلزم رفاه و آسایش مردمان این کشور باستان باشد آرزوی نداریم بفاطر دارم بعد از قضایای شهر بود ۱۳۲۰ که گویا مام مبین آن را معک نامیده روز نامه خواندم بیانات شادروان فروغی را در موضوع حزب شاه درج کرده که فرموده بود « صحبت در اطراف حزب شاه از ناحیه دوستان نادان و در کمال کزته نظری است که شاه ملتی را با چنین نامی شاه یک حزب یا دسته خوانند» بیان آوردن استقلال کرد شاه را لیدر حزب قرار دادست و مسلماً هیچ کرد ذیسی چنین حکومت و استقلال را ضی نیست خاک ایران را که با هزاران خون جگر خوردن نگهداری شده از دست بدهد و کردستان را دستاویز فرار دهد با اینکه بشهادت تاریخ در تمام مراحل و ادوار مختلف علاقه و پایداری ایرانیان کرد کثیر از ایرانیان پارس بایران عزیز نبوده و نیست نیدانم این اشتباهات فلسفی از روی چیست عموم کسانی که از لحاظ نادانی یا بلیدی آن نام را مانند دام در راه آزادی در زندگی ساده ما میکشرا نند باید بدانند که «نتارا بلند است آشیانه» از تدمیم الايام حافظ و نگهبان نام و نژاد آریان هسانا کردها بوده اند و بعد از گواه عاشق صادق در آستین باشد» اکنون هم آبادی بنام آریان تقریباً در هشتاد کیلومتر سمت غربی شهر سه دژ وجود دارد و اگر نویسنده قبلا از اطالع کوکب رخنه کوهستان مطلع میبود بناسبات معروضه تناخسانه مینود که آن روز نامه دلپذیر بنام آریان منتشر شود تا اسم و موسی کاملا درست و پاکبیت مطابق واقع باشد.

لگرافها و نامه های وارده

از سمنندج

آقای جمالدین رتونی مینویسد :
واقعا انتشار نامه کوهستان قلب قوم کرد
را پاک و افکار آنها را بر او شاه کردار
اشخاص ناباک و مومنی مردان صالح و جدی
در خدمت پناه و مبین که همیشه شیوه و
شمار آنها بوده است آماده نمود.

از روانسر

تلگرافی با مضای آقایان مجید بابا
پیری - محمد معدودی - قادر معدودی
رسیده مینویسد : تا کنون راجع به سردار
امرال و انعام و اشام کشاورزان روانسر
از اشعار و لایکی اقدام بعمل نیامده
چنانچه اقدام فوری مبسوط نگردد از لوط
استیصال بغداد عراق متوازی و وطن
مزیز را وداع خواهیم گفت

از سقز

آقای ستوان ۱ حسامی تلگرافا
از انتشار نامه کوهستان اظهار مسرت
نموده اند.

از زاهدان

آقای رکنی ضمن نامه ای مینویسد :
طالع نامه گرامی کوهستان را از افق
مطبوعات کشور که با طریزی دایسته و
جالب توجه و بانگارشاد سودمند آغاز
فرموده اید از سبب قلب شاد باش عرض
کرده موافقت نویسنده گمان و مسببین
بندایش آرا از در گناه ایزد منعال
خواستارم.

از روانسر

آقای امیر حسن رشید اردلان
تلگرافا از انتشار نامه کوهستان اظهار
خوشوقتی کرده اند.

از بوکان

آقای محمد امین ابلاغی زاده ضمن
اظهار مسرت و تبریک از انتشار نامه
کوهستان مینویسد :
امیدوارم ۵ و ۶ ملت ایران از انتشار
روز نامه مزبور بر حس وطن پرستی و
دولت خواهی خود افزوده انتظار دارند
بیش از پیش خدمات شایانی بحدک پاک و
ملت نجیب ایران بنمایند.

از سقز

آقای مشیرالنجار طاهری و داودیان
از طرف اهالی سقز تلگرافی معایره
نموده بوسیله نامه کوهستان از توجه
اولیای امور بانکه طی نامه ۶۵۷۸ -
۱۲۱۲۱۲ مدت یکسال از انتشار شماره این
ناحیه سقز منظر کرده اند اظهار امتنان و
میاستگذاری نموده اند.

از همدان

آقای ش شرح تحت عنوان
> درود بر شما < برای ما فرستاده اند
چون امضاء نهادت از خروج آن مودداری
شد آقایان اگر مایل باشند مقاله ای که
ارسال میفرمایند درج شود باید اسم
خود را در ذیل آن مرقوم دارند. اگر
چنانچه بخواهند نامشان باخفا درج شود
یا اصلا ذکری از اسم نویسنده نشود
میتواند بنویسند و ما هم تقاضای ایشان را
انجام دهیم.

از سمنندج

تلگرافی با مضای حسن احمد و سعید
ناصری رسیده اظهار میدارند که بعد از
ظهور روز ۱۹ فروردین تقی ناصری ح.ام
بدون جرمی کسانتی فوت نموده دارائی او در
حدود یکصد و بیست هزار تومان و ورانش

منحصر به وقت نگر است که دو نفرشان
صفیراند - موضوع به آقای مصباحی
چهارمین داستان اطلاع داده شد که اموال متوفی
بابال نشود آقای مصباحی بمنزل متوفی
مراجعه ولی بطرفی از نوشتن صورت و
رسیدگی بدارائی منصرف شدند تاکنون
چندین بار دادخواست های خود را بوسیله
پست شهری ببادسرا ابلاغ اصولا رسیدگی
نموده اند.

کوهستان - مناسفیم از اینکه
اغلب نامه ها و تلگرافهایی که می رسد
شکایت است از کارمندان و ادارات دولتی
و نامه اظهار امتنان از اینکه فلان
مامور خوب انجام وظیفه نموده کتسر
میرسد. ظلم و جور بیشتر بر طبقه ضعیف
روا میشود و بیشتر این بیچارگان که
دستمخوش هوی رهوس و ناسحاب مأمورین
واقع میگرددند.

ما دوستانه بکفایت کارمندان دولتی
مقیم مناطق کردشین توصیه میکنیم که
روبه سابق را خاتمه داده بامردم از راه
فانون مقررات (البته آن قانون مقررات
که زندان خوب معنایش را فهمیده اند)
بقتار نمایند.

بدوی است در صورتیکه تقبیر رویه
داده نشود و با مردم خوب رفتار نکنند
تا اگر بر در هر مقامی که باشند مورد تعقیب
قرار خواهیم داد.

با ذکر این مقدمه انتظار داریم دادسرا
متفحج بیرونده مورد شکایت فوق منصفانه
رسیدگی کند.

از روانسر

شاهزاده که هفتلش و عبتی است از
روانسر تلگرافا شکایت میکنند که راهبای
سالار قبیله مادباش را برده اند هر قدر
بانتیه مراجعه میکنند بدست نستی که صاحب
ده بار بیس امتیه دارد کسی به عرضش گوش
نمیدهد.

از خواننده گان محترم
تقاضا میشود هر گونه انتقادی
راجع به درجات نامه کوهستان
دارند بما بنویسند ما با
کمال میل انتقادات و بنا
پیشنهادات خواننده گان را
مورد توجه قرار میدهیم
آینه را قابل قبول باشد
بذیرفته و آنچه را که اجرائش
مندور نباشد باز ذکر علت
باسخ خواهیم داد.

شکایات خود را
بوسیله نامه کوهستان
بسمع اولیای دولت
پرسائید.

در شبکه در همان ساعتهای که هراس تبیین کرده بود در جلوتی قرار
گرفت . صاحب مهبانخانه لیدا و عده زیادی از بچه های کوچک محل
باقیانه باشاش و موهای زربنده برای تماشا حرکت مسافران در جلو
مهبانخانه حاضر شده بودند . در این وقت راقابیل در میان تماشاچیان ظاهر
گشت .

او با هیچکس حرف ننیزد و خوردن است بهمه چیز و همه کس
بی اعتنا نشان میداد . یکی از بچه ها رو ب دیگری کرده گفت : او هم وقتی در
زندان بود است و مانند همان کسی که امروز دیدی روزی دستهای او
را نیز بیست بسته بودند . دیگری سوال کرد : پس چگونه توانسته است از
زندان فرار کند ؟

شاید مانند درب فرار او بروی گشوده است .

لیدا بآن بچه جواب داد : هاید سربازان بسبب صدای خوش او
وارها کرده اند .

یکی از بچه ها که صورت رنگ بریده ای داشت از آن میان
گفت : من را قابل را بسیار دوست میدارم . وقتیکه من مریض بودم او
بغیر مرامواظبت نمیشود . وقتی من سرم درد میکرد او اجازه نمیداد
کسی در اطمان من بلند حرف بزند . بچه دیگر گفت برعکس من را قابل
را دوست ندارم زیرا بسیار شریر است .

سپس دو بدرشکه چس کرده بالحن تنیدی گفت : ژاکومو چند
مرآه باید پاک حرف را بشما تکرار کرد ؟ به خاطر داشته باشید که اگر
مطابق میل ما رفتار نکنید نباید در آخر منتظر انعام خوبی باشید .
ژاکومو از این حرف تکلیف خورده با عجله بیانب بهاریند شناخت هراس
از اطان بیرون رفته بطرف حیاط مهبانخانه روانه شد .

هنوز چند قدمی رفته بود که راقابیل را در برابر خود مشاهده
کرده جوان ایتالیایی به هراس لزدیک شده زیر لب گفت : عزیمت نکنید
هراس نگاهم با تعجب و حیرت بسراپای راقابیل افکند . در حقیقت او
هرگز منتظر چنین اغطاری از طرف این شخص نبود و در همان لحظه
میخواست علت این دستور و نصیحت را از راقابیل بیرون ببرد ولی چون بسا
عجله از نظر او دور شده بود چیزی نگفت .

هراس بجای اینکه باطمان مادرش رفته او را تنها بگذارد شروع
بخدم زدن در حیاط مسافر خانه نمود و در امتداد تصمیم قطعی لشکر
میکرد .

ژاکومو که از گوشه چشم ناظر حمایت او بود تردید و دودلی
هراس را در قافله اش حدس زده سپس بالحن تسخر آمیزی گفت : آیا حضرت
آقا هنوز عقیده غمان را تیریدارده اند ؟ هراس با صدای متکبران جواب
داد : من هرگز از تصمیم خود برانهرام گشت . همه چیز باید در عرض ده
دقیقه حاضر آماده باشد .

